

منبع: گزارش یونیسف

درباره وضعیت کودکان جهان در ۱۹۹۷ (مسأله کار کودک)

کار کودکان

ترجمه و
تنظیم: محمد حسین حافظیان

● رفاه کودکان آرزو و مقصود اصلی صندوق کودکان ملل متحد در طی ۵۰ سال گذشته بوده

است. از این چشم‌انداز و تجربه منحصر به فرد است که یونیسف آراء، نگرانی و کارشناسی خود را به مناظره بر سر کار کودکان معطوف می‌دارد. کار کودک یک مسأله بحث برانگیز و عاطفی است. همچنین این امر موضوعی پیچیده و چالش برانگیز می‌باشد که از راه‌حلهای ساده سر می‌پیچد. رهیافتهای اندیشمندانه و فراگیر باید با منافع عالیه کودک و تعهد به حقوق بشر کودکان، بدان ترتیبی که در کنوانسیون حقوق کودک مطرح گردیده، پیش برده شود.

برخورد با مسأله کار کودکان با فشاری می‌کند. همچنانکه این گزارش آشکار می‌سازد، به وسیله کار جمعی، حکومتها، سازمانهای بین‌المللی و ملی و همه اعضای اجتماع جهانی می‌توانند به حفاظت کودکان از بهره‌کشی اقتصادی که به گونه‌ای برجسته و نموداری در این گزارش توصیف می‌شود، یاری رسانند. پایان بخشیدن به کار کودک، که یک نگرانی اساسی سازمان بین‌المللی کار و یونیسف می‌باشد، هم‌اکنون نیاز دارد به اینکه هدف همگانی و فوری جهان گردد. سازمان ملل باید در این زمینه رهبری را به عهده گیرد.

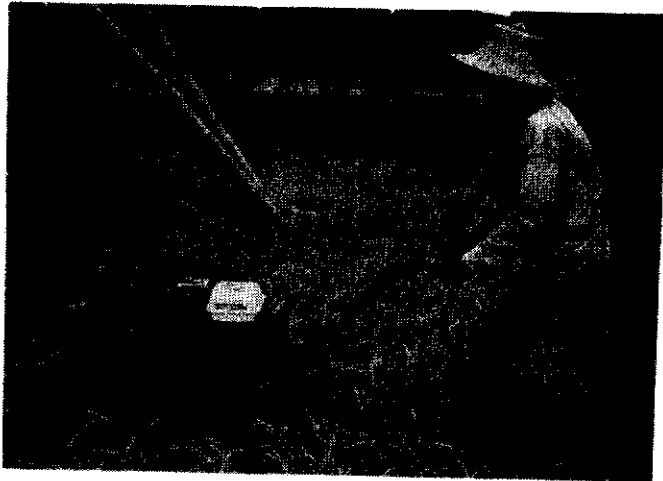
در این گزارش یونیسف، خواستار این می‌شود که اولویت باید به تلاشها برای پایان دادن بیدرنگ به کار خطرناک و بهره‌کشانه و پشتیبانی فوری از آموزش اختصاص یابد، تا اینکه کودکان بتوانند به کسب دانش و مهارتهایی بپردازند که می‌تواند آنها را قادر به بهبود زندگیشان سازد. همچنین بر لزوم خدمات اساسی، استراتژیهای توسعه اجتماعی، تدابیر ایجاد درآمد، و حفاظت قانونی از کودکان، خانواده، و اجتماعشان تأکید می‌کند. این گزارش بر لزوم اقدام دسته‌جمعی برای

کار کودک چیست؟

عبارت کار کودک تصور ویژه‌ای را مجسم می‌سازد: ما کودکان را زنجیر شده به چرخهای بافندگی در کارگاههای تاریک و در شرایط نامناسب می‌بینیم، گویی که در خطی طولانی و کابوس‌گونه جای دارند که از لنگشایر در دهه ۱۸۳۰ تا جنوب آسیای دهه ۱۹۹۰ ادامه می‌یابد.

به واقع، کودکان کارهای متنوعی را در شرایطی بسیار متفاوت انجام می‌دهند. این کار در طول یک جریان مداوم انجام می‌پذیرد. در یک سر این جریان، این کار سودمند است، زیرا در جایی که این امر بدون تداخل در مدرسه رفتن، تفریح و استراحت کودک صورت می‌گیرد، پرورش جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی یا اجتماعی کودک را ارتقاء می‌بخشد یا تقویت می‌کند. از سوی دیگر، آشکارا و پراگماتیک یا بهره‌کشانه می‌باشد. حوزه‌های گسترده‌ای از فعالیتها میان این دو قطب وجود دارد، که شامل کاری می‌شود که الزاماً تأثیر منفی بر پرورش کودک ندارد.

در مخربترین حد آن، هیچ کس علناً اعلام نخواهد کرد که بهره‌کشی از کودکان به‌عنوان روسپی در شرایطی پذیرفتنی است. همین سخن را می‌توان، درباره «کار بردگی کودکان» مطرح کرد، وازه‌ای که برای برده‌سازی واقعی کودکان جهت بازپرداخت بدهیهای متحمل شده والدین یا اولیای والدین آنها، وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرد. همین امر بر صنایع بد نام به خاطر سهمناک تندرستی و ایمنی که به معرض می‌گذارند، اعمال می‌شود: برای نمونه، کوره‌های زغال در ایالت ماتانو گروسو



● کودکان از نظر روان‌شناختی آسیب پذیرند. آنها ممکن است از زیان روانی بسیار شدیدی ناشی از به سر بردن در محیطی که در آن تحقیر می‌شوند یا بر آنها فشار وارد می‌آید رنج ببرند.

- کار و زندگی در خیابانها در شرایط ناگوار.
- پرداخت ناکافی.
- مسؤولیت بسیار زیاد.
- کاری که مانع دسترسی به آموزش می‌شود.
- کاری که منزلت و اعتماد به نفس کودکان را پایین می‌آورد. همچون بردگی یا کار بردگی و بهره‌کشی جنسی.
- کاری که برای پرورش کامل اجتماعی و روانی زیان‌آور است.
- تأثیر کار بر پرورش یک کودک، کلید تعیین این نکته است که چه هنگامی این کار به مشکل بدل می‌شود. کاری که برای بزرگسالان زیان‌آور است، می‌تواند برای کودکان شدیداً زیان‌آور باشد. آن ابعاد پرورش کودک که می‌تواند با کار به خطر بیفتد اینها می‌باشند:
- پرورش جسمی - شامل تندرستی کلی، هماهنگی، توان، دید و شنوایی.

- دوسول برزیل، یا کارخانه‌های الگوسازی در هند. اصلاً کار خطرناک برای همه کودکان تحمل‌ناپذیر است.
- اما برخورد با همه کارهای کودکان به‌عنوان مسأله‌ای به یک اندازه ناپذیرفتنی، اشتباه گرفتن و کم اهمیت ساختن موضوع می‌باشد و پایان دادن به سوء استفاده‌ها را دشوارتر می‌سازد. به همین دلیل فرق‌گذاری میان کار سودمند و کار تحمل‌ناپذیر و شناسایی اینکه بیشتر کار کودکان در یک حیطه خاکستری میان این دو طیف قرار می‌گیرد، حائز اهمیت می‌باشد.
- یک دهه پیش، یونسف اعلام کرد که در صورتی کار کودک بهره‌کشانه است که شامل این موارد باشد:
- کار تمام وقت در سنین بسیار پایین.
- گذراندن ساعات بسیار پر سرکار.
- کاری که فشار جسمی، اجتماعی، یا روان‌شناختی وارد می‌آورد.

- پرورش ادراکی - شامل سواد، حساب و کسب دانش لازم برای زندگی معمولی.

- پرورش عاطفی - شامل اعتماد به نفس کافی، وابستگی خانوادگی، احساسات عشق و پذیرش.

- پرورش اجتماعی و اخلاقی - شامل حس هویت گروهی، توان همکاری با دیگران و توان تمییز میان درست و نادرست.

البته، ملاحظه زیان جسمی از همه آسانتر است. تحمیل بار سنگین یا نشستن در وضعیتهای غیرطبیعی برای مدتهای طولانی می‌تواند به‌طور پایداری جسم در حال رشد آنها را ناتوان سازد. کار جسمی سخت در طی چندین سال می‌تواند از رشد قد جسمی کودکان تا ۳۰ درصد استعداد زیستی آنها جلوگیری نماید، زیرا ذخایر بنیه آنها را که باید تا بزرگسالی دوام آورد، صرف می‌کند.

همچنین کودکان از نظر روان شناختی آسیب پذیر می‌باشند: آنها می‌توانند از زیان روانی بسیار شدیدی به خاطر به سر بردن در محیطی که در آن خوار می‌شوند یا بر آنها فشار وارد می‌آید، رنج ببرند. اعتماد به نفس به همان اندازه که برای بزرگسالان مهم است، برای کودکان نیز حائز اهمیت می‌باشد.

آموزش یکی از کلیدهایی است که قفل در زندان کار خطرناک را که کودکان بسیاری در آن در بند هستند خواهد گشود. تأکید بیش از حد بر این نکته عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد.

آموزش به پرورش ادراکی، عاطفی و

اجتماعی کودک یاری می‌رساند، و حوزه‌ای است که اغلب کار کودک آن را شدیداً به خطر می‌اندازد. کار می‌تواند به شیوه‌های زیر در آموزش تداخل ایجاد نماید:

- معمولاً وقت بسیاری را جذب می‌کند به‌صورتی که حضور در مدرسه را غیرممکن می‌سازد.

- اغلب چنان کودکان را خسته می‌کند که انرژی لازم برای حضور در کلاس را از آنان سلب می‌کند و یا اینکه موجب می‌شود آنها نتوانند هنگام حضور در کلاس با کارایی به درس بپردازند.

- برخی پیشه‌ها، به‌ویژه کار فصلی کشاورزی موجب می‌شود کودکان بسیاری از روزهای کلاس را حتی در صورتی که در مدرسه ثبت نام کرده باشند، از دست بدهند. گاهی محیط اجتماعی کار از ارزشی که کودکان برای آموزش قائلند می‌کاهد، و این چیزی است که به‌ویژه کودکان خیابانی نسبت به آن آسیب‌پذیرتر می‌باشند.

- کودکانی که در محیط کار با آنان بد رفتاری می‌شود ممکن است چنان آسیب ببینند که نتوانند در کار مدرسه تمرکز بیابند یا آموزگاران آنان را به‌عنوان افراد موجب اختلال در کلاس، رد می‌کنند.

● آموزش یکی از کلیدهایی است که قفل در زندان کار خطرناک را که کودکان بسیاری در آن در بند هستند، خواهد گشود.

● کودکانی که در محیط کار با آنان بد رفتاری می‌شود ممکن است چنان آسیب ببینند که نتوانند در کار مدرسه تمرکز بیابند یا آموزگاران آنان را به‌عنوان افراد موجب اختلال در کلاس رد می‌کنند.

● گاهی محیط اجتماعی کار از ارزشی که کودکان برای آموزش قائلند می‌کاهد و این چیزی است که به‌ویژه کودکان خیابانی نسبت به آن آسیب‌پذیرتر می‌باشند.

نقاط عطف قانونگذاری در حفاظت از حقوق کودک

از نخستین کنوانسیون بین‌المللی کار کودکان (۱۹۱۹)، که کار کردن کودکان بر حسب اشتغال کار مزدی در تولید بخش

رسمی را بررسی می‌کرد، موضع جهان درباره کار کودکان در طی سالها تکامل و گسترش یافته است. این موضع در جهت مخاطب ساختن کار غیرصنعتی کار مزدی یا غیرکارمزدی کودکان، که برای آنان زبان‌آور است، و طرح تضمینها حمایتی برای کودکانی که کار می‌کنند رشد یافته است. برای نمونه لازم است دولتهای طرف کنوانسیون حقوق کودک سن حداقل یا سنین حداقلی را برای پذیرش به اشتغال ارائه نمایند که «بدین ترتیب مفاد مربوطه اسناد بین‌المللی را مورد ملاحظه قرار داده باشند» (ماده ۳۲). قوانینی که در زیر مطرح می‌شوند نقاط عطف بین‌المللی در حفاظت از کودکان می‌باشند.

۱۹۱۹: کنوانسیون شماره ۵، حداقل سن (صنعت): این کنوانسیون که در نخستین جلسه سازمان بین‌المللی کار (ایلو - ILO) اتخاذ و مورد تصویب ۷۲ کشور قرار گرفت، ۱۴ سالگی را حداقل سن استخدام کودکان در صنعت قرار می‌داد. این نخستین کوشش بین‌المللی برای تنظیم مشارکت کودکان در محیط کار بود و با اسناد متعدد «ایلو» که بر دیگر بخشهای اقتصادی قابل اعمال بود، پیگیری شد.

۱۹۳۰: کنوانسیون شماره ۲۹، کار اجباری ایلو: سرکوب استفاده از کار اجباری یا تحمیلی را در همه اشکال آن مقرر می‌نماید. واژه «کار اجباری یا تحمیلی» به معنی همه کارها یا خدماتی تلقی می‌شود که براساس تهدید به مجازات از افراد به زور خواسته می‌شود و برای آن کار افراد خود را

به‌طور داوطلبانه عرضه نداشته‌اند. تا میانه سپتامبر ۱۹۹۶، ۱۳۹ دولت آن را تصویب کردند.

۱۹۶۶: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. این میثاق که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۶۶ به تصویب رسید و در ۱۹۷۶ لازم‌الاجراء شد، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در خصوص حقوق مدنی و سیاسی را دوباره اعلام می‌کند و دولتهای طرف آنرا متعهد می‌سازد در جهت تحقق این حقوق دست به اقدام زنند. ماده ۹ بیان می‌کند که هیچ کس را نباید در بردگی یا انقیاد نگه داشت یا ملزم کرد به کار تحمیلی یا اجباری پردازد. تا میانه سپتامبر ۱۹۹۶، ۱۳۵ دولت آنرا تصویب کردند.

۱۹۶۶: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. این میثاق که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۶۶ به تصویب رسید و در ۱۹۷۶ لازم‌الاجراء شد، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوباره تصدیق می‌کند. ماده ۱۰ به دولتهای طرف آن سفارش می‌کند که افراد جوان را از بهره‌کشی اقتصادی و از اشتغال به کارهای زیان‌آور برای اخلاقیات، تندرستی یا زندگیشان، و نیز از کارهایی که احتمالاً مانع رشد طبیعی آنها می‌شود، محافظت نمایند. همچنین این سند دولتها را متعهد می‌سازد که محدودیتهای سنی وضع نمایند تا اشتغال کار مزدی کودکان پایتیر از آن سن ممنوع و

طبق قانون قابل مجازات گردد. تا میانه سپتامبر ۱۹۹۶، ۱۳۵ دولت آنرا تصویب کردند.

۱۹۷۳: کنوانسیون شماره ۱۳۸ حداقل سن «ایلو». جانشین اسناد قبلی حاکم بر بخشهای محدود اقتصادی می‌شود. این کنوانسیون دولتهای عضو را به پیگیری یک سیاست ملی طرح شده در جهت الغای مؤثر کار کودک متعهد می‌سازد. در این ارتباط، این قاعده را برقرار می‌سازد که نمی‌توان هیچ کودکی را در هیچ بخش اقتصادی پایتیر از سن تعیین شده برای تکمیل تحصیل اجباری - و کمتر از سن ۱۵ سال - به استخدام درآورد. حداقل سن لازم برای پذیرفته شدن در هر کاری که احتمالاً تندرستی، ایمنی یا اخلاقیات را به خطر می‌اندازد، ۱۸ سال می‌باشد. تا میانه سپتامبر ۱۹۹۶، ۴۹ دولت آنرا تصویب کردند.

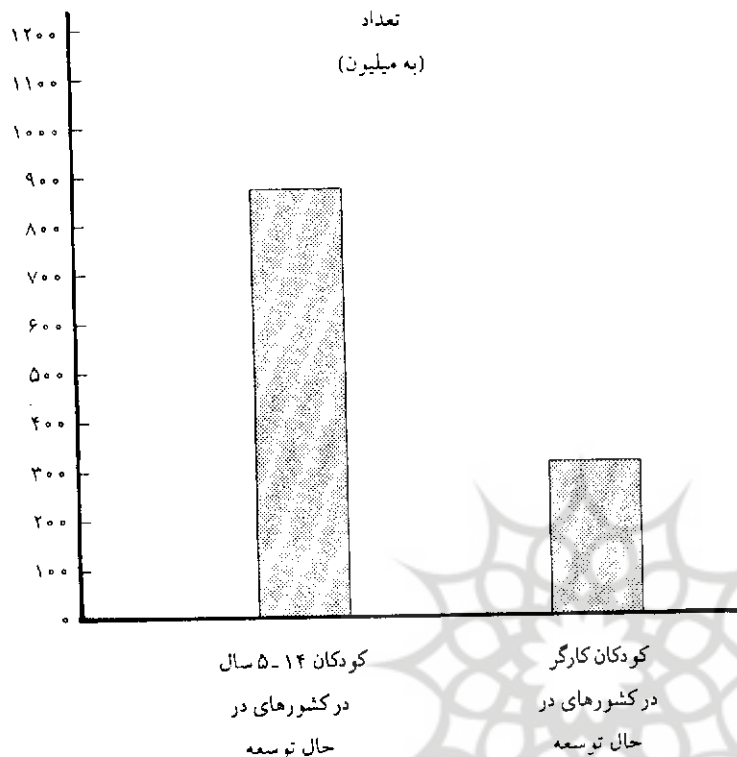
توصیه حداقل سن، شماره ۱۴۶. دولتها را ملزم می‌سازد که حداقل سن اشتغال را تا ۱۶ سال بالا ببرند. هرچند که این توصیه از نظر حقوقی الزام‌آور نمی‌باشد، فراخوانی نیرومند برای اقدام از سوی دولتهای عضو می‌باشد. کنوانسیون شماره ۱۳۸ و این توصیه که فراگیرترین اسناد و بیانیه‌های بین‌المللی درباره کار کودکان به‌شمار می‌روند.

۱۹۸۹: کنوانسیون حقوق کودک. رشته کاملی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را که برای بقاء، پرورش، حفاظت و مشارکت آنها در زندگی

اجتماعی شان حیاتی است، به صورت امری نه هم پیوسته و تفکیک‌ناپذیر، تصدیق و تحکیم می‌کند. به خاطر این پیوند میان حقوق کودکان و بقاء و پرورش آنها، تقریباً همه مواد کنوانسیون مسایلی را - همچون آموزش، تندرستی، تغذیه، استراحت و آرامش، تأمین اجتماعی، مسؤولیت والدین - که به کار کودکان و اثراتش بر آنها مربوط می‌شود، مورد توجه قرار می‌دهد. یکی از اصول این کنوانسیون، آن است که در همه اقدامات مربوط به کودکان، منافع عالی آنها را باید به طور کامل مورد نظر قرار داد. ماده ۳۲ حقوق کودکان را برای حفاظت از کاری که تندرستی، آموزش یا رشد آنها را تهدید می‌کند به رسمیت می‌شناسد و به دولت‌های طرف معاهده سفارش می‌کند که سنین حداقلی را برای اشتغال آنان تعیین و شرایط کاری را تنظیم نمایند. تا میانه سپتامبر ۱۹۹۶، ۱۸۷ دولت آن را تصویب کردند.

۱۹۹۶: ایلو کنوانسیون تازه‌ای را درباره کار خطرناک یا رفع تحمل‌ناپذیرترین اشکال کار کودک طرح می‌کند.

کودکان کارگر: از هر ۴ کودک در جهان در حال توسعه، ۱ نفر به کار اشتغال دارد.



برخی اقدامات مشخص که ضرورت فوری دارند، عبارتند از:

۱- رفع فوری کار خطرناک و بهره‌کشانه کودک.

اشکال خطرناک و بهره‌کشانه کار کودک، شامل کاربردگی، بهره‌کشی جنسی تجاری و کارهایی که از رشد جسمی، اجتماعی، ادراکی، عاطفی یا اخلاقی کودک جلوگیری می‌کند نباید تحمل شود، و حکومتها باید به اقداماتی فوری جهت پایان بخشیدن به آنها دست زنند.

نگرانی برای رفاه خانواده‌هایی که ممکن است بقایشان به درآمد کودکانشان وابسته باشد باید کوشش برای گسترش فرصت‌های شغلی برای بزرگسالان را نیز دربرگیرد.

از آنجا که علل کار کودک پیچیده هستند و شامل فقر، بهره‌کشی اقتصادی، ارزشهای

اجتماعی و اوضاع و احوال فرهنگی می‌باشند، راه‌حلهای آن باید فراگیر باشد و گسترده‌ترین رشته ممکن از مشترکات در هر جامعه را در برگیرد.

پایان دادن به کار کودک:

گام‌های بعدی

کار خطرناک و بهره‌کشانه کودکان، حقوق کودکان را بدان‌گونه که در کنوانسیون حقوق کودک مطرح شده، نقض می‌کند. اقدام فوری برای رفع این نوع کار باید در راستای منافع عالی کودک صورت پذیرد.

۲- تدارک آموزش رایگان و اجباری

حکومتها باید مسؤولیت خود در رایگان و اجباری ساختن آموزش ابتدایی مناسب برای همه کودکان برآورده نمایند (ماده ۲۸ کنوانسیون) و تضمین نمایند که همه کودکان تا تکمیل آموزش ابتدایی به طور تمام وقت در مدرسه حضور می یابند. حکومتها باید منافع مالی لازم را برای این منظور فراهم نمایند، و اعطاءکنندگان بودجه های کمک توسعه موجود اطمینان یابند که منافع کافی به این کار اختصاص می یابد.

۳- گسترش حمایت قانونی

مقصود قوانین درباره کار و آموزش باید با هم سازگار باشد و به گونه حمایتی متقابل اجراء گردد. قوانین ملی کار کودک باید با روح و لفظ کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیونهای مربوطه «ایلو» مطابقت داشته باشد. این قوانین باید اکثریت گسترده کار کودک در بخش غیررسمی اقتصاد، شامل کار در خیابانها و کشتزارها، کار خانگی، یا کار درون خانواده خود کودک را در برگیرد.

۴- ثبت تولد همه کودکان

تولد همه کودکان باید به ثبت برسد (ماده ۷ کنوانسیون). ثبت تولد برای مجال دادن به اعمال حقوق کودک، همچون دسترسی به آموزش، مراقبت تندرستی و دیگر خدمات، و نیز ارائه مدارک سن هر کودک برای کارفرمایان و بازرسان کار، اساسی می باشد.

۵- گردآوری و نظارت بر اطلاعات

اطلاعات درباره کار کودکان کمیاب می باشد. اگر قصد آن باشد که با مشکل کار کودک به طور کارآمدی برخورد شود باید نظامهای ملی و بین المللی برای گردآوری و تحلیل اطلاعات قابل مقایسه بین المللی در این باره، از جایگاه شایسته ای برخوردار شوند. باید توجه ویژه ای را به حوزه های فراموش شده یا «نادیدنی» کار کودک معطوف داشت، حوزه هایی چون کار در خانه، در کشتزار خانوادگی یا خدمت خانگی. نظارت توسط خود جوامع مهم است و کودکان کارگر باید فعالانه در ارزیابی وضعیتشان و پیشنهاد راههایی برای بهبود شرایطشان مشارکت نمایند.

۶- قواعد رفتار و سیاستهای خرید

از شرکتهای ملی و بین المللی خواسته می شود که قواعد رفتاری را برگزینند که

● حکومتها باید مسؤولیت خود در رایگان و اجباری ساختن آموزش ابتدایی مناسب برای همه کودکان برآورده نمایند.

تضمین نمایند نه خودشان و نه مقاطعه کارانشان کودکان را در شرایطی که حقوق آنها را نقض می کند به کار نخواهند گرفت. سیاستهای خرید باید چنان توسعه یابد که منافع عالیة کودک را در برگیرد و تدابیری را برای حفظ منافع آنها شامل شود.

یونیسف باز تعهد خود را نسبت به سیاست خرید خودش که از راه آن تعهد می شود از هیچ فروشنده ای که از کودکان بهره کشی می کند، خریداری صورت نمی گیرد، تصدیق می نماید. □

منابع و مأخذ مربوط به مقاله «نقش دولت در ... صفحه ۱۲»

- ۱- قوام، عبدالعلی، «نقد نظریه های نوسازی و توسعه سیاسی»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۴، ص ۱۵۲
- 2- Alviny, So; "social change and Development", 1990, PP 107, 138
- ۳- کاردوزو، هنریک، «وابستگی و توسعه در آمریکای لاتین»، ترجمه ف، حسامیان، انتشارات تندر، سال ۱۳۵۹ - صص ۱۳۰ - ۹۸.
- ۴- فصلنامه راهبرد، «دیدگاههای وابستگی جدید»، حبیب مظاهری، شماره ۵، سال ۱۳۷۳، ص ۲۱۱.
- ۵- کتاب سبز وزارت امور خارجه، «اندونزی»، سال ۱۳۷۲، ص ۷۰
- ۶- همان، ص ۷۵
- ۷- فصلنامه راهبرد، پیشین، ص ۲۱۵ - ۲۱۱.
- ۸- ساعی، احمد، «نظریات توسعه و توسعه نیافتگی»، انتشارات نشر علوم نوین سال ۱۳۷۵، ص ۸۰.
- ۹- کتاب سبز وزارت امور خارجه، «اندونزی»، سال ۱۳۷۲، ص ۹۳.
- ۱۰- کتاب سبز وزارت امور خارجه، «برزیل»، سال ۱۳۷۲، ص ۱۳۸.